

## **Study of Public Diplomacy in Imam Khomeini's Thought and Comparison with Traditional and Public Diplomacy**

**Mohammad Bahrami<sup>1</sup>**  
**Mukhtar Sheikh Hosseini<sup>2</sup>**

1. *Phd. Student, Political Sociology, Baqir al-Olum University; Secretary of the Islamic Forum of Qom Theological Seminary, Qom, Iran (corresponding Author); mb361@yahoo.com*
2. *Assistant Professor, Department of Political Science, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran; m.sheikhhosseini@sca.ac.ir*

**Received:** 9 June 2017; **Revised:** 2 July 2019; **Accepted:** 12 July 2019

### **Abstract**

The present study aims to study popular diplomacy in Imam Khomeini's thought and to explain its commonalities and differences with traditional and public diplomacy. In this study, the commonalities and differences of these concepts are explained and adhering to the nature of the supernatural and the miraculous (two-nature theory) and the approach to transcendence, has been the main source of differences and the main framework of comparison. The research was descriptive-analytical and the results showed that popular diplomacy compared to other types of diplomacy, its resources are the interests of the nation and it has extra care for this world and the hereafter world (true perfection) and it differs from the traditional and public diplomacy whose resources are the national interests, its agents are governments and their audiences are governments and public opinion. The defining characteristic of transcendent popular diplomacy is to become the head of the intellect at the various levels of brokers and audiences and the rest be at its service. The two main axes of popular diplomacy are: Positive and Negative activities. The first one is based on the supernatural nature and in defense of the intellect as the head of the forces and the second one is based on the miraculous nature which rejects the centrality of illusion, anger and lust as well as the use of reason for these purposes. Another difference between the transcendent diplomacy and the conventional model is their attention to the world and the hereafter.

**Keywords:** Popular Diplomacy, Public Diplomacy, Traditional Diplomacy, Theory of Nature, Imam Khomeini, Foreign Policy.

## چیستی دیپلماسی مردمی در اندیشه امام خمینی و مقایسه آن با دیپلماسی عمومی و سنتی

محمد بهرامی<sup>۱</sup>

مختار شیخ حسینی<sup>۲</sup>

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم؛ دبیر مجمع اسلام ناب طلاب حوزه علمیه قم، قم، ایران

(نویسنده مسئول): mb361@yahoo.com

۲. استادیار، گروه علوم سیاسی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران و عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه؛  
m.sheikhhosseini@sca.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۱۹؛ تاریخ اصلاح: ۱۳۹۸/۰۴/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۲۱

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی دیپلماسی مردمی در اندیشه امام خمینی و تبیین اشتراکات و افتراقات آن با دیپلماسی عمومی و سنتی مرسوم است. در این بررسی اشتراکات و افتراقات این مفاهیم تبیین و تبعیت از فطرت مخموره و محجوبه (نظریه دو فطرت) و رویکرد به سمت تعالی و تدانی، مبدأ اصلی تفاوتها و چارچوب اصلی مقایسه قرار گرفته است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و نتایج نشان داد، دیپلماسی مردمی در مقایسه با انواع دیگر دیپلماسی، منابع آن، منافع ملت و با توجه توأمان به دنیا و آخرت (کمال حقیقی) است و با دیپلماسی سنتی و عمومی‌ای که منابع آن منافع ملی، کارگزاران دولت‌ها و مخاطبش دولت‌ها و افکار عمومی هستند، تفاوت دارد. فصل ممیز دیپلماسی مردمی متعالیه این است که در سطوح مختلف کارگزاران و مخاطبین، عقل رئیس قوا شود و باقی قوا در خدمت آن قرار گیرد. دو محور اساسی دیپلماسی مردمی متعالیه شامل: فعالیت‌های ایجابی و فعالیت‌های سلبی است. مورد اول براساس فطرت مخموره و در جهت دفاع از عقل به عنوان رئیس قوا و مورد دوم با توجه به فطرت محجوبه و در جهت نفی محوریت وهم، غضب و شهوت و نیز استفاده از عقل در جهت این اهداف می‌باشد. تفاوت دیگر میان دیپلماسی متعالیه با مدل متعارف و متدانی، در توجه آنان به دنیا و آخرت است.

**واژه‌های کلیدی:** دیپلماسی مردمی، دیپلماسی عمومی، دیپلماسی سنتی، نظریه فطرت، امام خمینی، سیاست خارجی.

## مقدمه

در اندیشه انقلاب اسلامی و بنیان‌گذار و نظریه‌پردازان اصلی آن، بر حضور مردم در همه عرصه‌های تحقق اهداف انقلاب تأکید شده است که یکی از مصادیق آن، اهداف سیاست خارجی می‌باشد. از طرفی صدور انقلاب اسلامی یکی از اهداف انقلاب بوده که در ارتباط با ملت‌ها و مردم می‌باشد و لازم است در این عرصه و سایر عرصه‌های سیاست خارجی، نقش و جایگاه مردم تبیین شود. «دیپلماسی مردمی»، هم سابقه‌ی اندیشه‌ای و مبنایی در نگاه بنیان‌گذاران انقلاب و اسلام‌شناسان دارد و هم سابقه اجرایی و عملی. اما جوانب این موضوع در عرصه نظری و عملی بررسی نشده و کمتر به موضوع نقش مردم در تحقق اهداف سیاست خارجی و بین‌المللی انقلاب اسلامی پرداخته شده است.

این مقاله تلاش دارد با مطالعه و تبیین منابع و مبنای اندیشه سیاسی امام خمینی یکی از الگوهای جدید دیپلماسی به نام «دیپلماسی مردمی» را تبیین کند. البته دیپلماسی مردمی نه نظریه مستقیم امام خمینی که استنباطی برگرفته از مبنای فکری ایشان است که مؤیدات بسیاری در آثار و اندیشه امام خمینی دارد.

اینکه «دیپلماسی مردمی» چیست و ارائه تبیین و تعریف دقیق آن، و نیز مبنای، خاستگاه و اهداف آن از جمله نقاط مبهم و مجهولی است که تحقیق حاضر می‌کوشد پاسخ آنها را با تبیین مولفه‌های این مفهوم و مقایسه آن با دو دیپلماسی رایج دیگر، ذیل چارچوب دو فطرت ارائه دهد.

## چارچوب نظری

چارچوب تحلیلی این مقاله براساس نظریه «دو فطرت» است. طبق این نظریه، دو فطرت مخموره و محجوبه وجود دارد که هرکدام به دو بخش اصلی و تبعی تقسیم می‌شوند. فطرت مخموره اصلی عشق به کمال حقیقی و تنفر از نقص حقیقی دارد و فطرت محجوبه اصلی، عشق به کمال غیرحقیقی داشته و از نقص غیرحقیقی تنفر دارد. در این چارچوب آدمی دارای چهار قوه عقل، وهم، غضب و شهوت است. اگر عقل متعالی رئیس و هادی قوا باشد، گرایش به کمال

حقیقی و تنفر از نقص حقیقی بوده و حالت مطلوب و متعالی است. در غیر این صورت گرایش به کمال غیرحقیقی و تنفر از نقص غیرحقیقی وجود دارد و این حالت نامطلوب و متدانی است (لکزایی، ۱۳۸۹ الف: ص ۱۲).

جدول ۱. معرفی فطرت مخموره و محجوبه

درجه‌ی وجودی	رئیس قوا	نفس	رویکرد	گرایش	حاصل
عقل	عقل	نفس عاقله	وجهه به عالم و غیب و روحانیت	اصلی: عشق به کمال نامحدود تبعی: تنفر از نقص حقیقی	تعالی خیر سعادت
جهل	شهوة غضب وهم	نفس بهیمی نفس سبئی نفس وهمی	وجهه به عالم و شهادت و طبیعت	اصلی: عشق به کمال غیرحقیقی تبعی: تنفر از نقص غیرحقیقی قوه شهوت: میل به کمال مادی قوه غضب: میل به قدرت مادی قوه شیطن: دستیابی به هدف با حيله و مکر	سقوط شر شقاوت

این سه قوه برای بقای انسان ضروری هستند، اما به شرط اینکه تحت تدبیر و ریاست عقل باشند. دین به کمک عقل برای کنترل و تعدیل و هدایت این قوا است (لکزایی، ۱۳۹۰: ص ۱۵). انسان عاقل، انسانی است که در برابر تهدیداتی که بقای اخرویش را تهدید می‌کند، از خودش حفاظت می‌کند. چنین انسانی، انسان متعالیه می‌شود. انسان غیرمتعالی، اگر عاقل هم باشد، عقلش فقط محدود به دنیا شده و در حد همان سه قوه محصور می‌شود (لکزایی، ۱۳۸۹ ب: ص ۷۸).

در این تحقیق چارچوب «دو فطرت» و جایگاه عقل متعالی و قوای مذکور، ملاک اصلی در ارزیابی و سنجش مفاهیم و مقایسه آنها قرار می‌گیرد. بنابراین، در تطبیق این چارچوب با انواع دیپلماسی، بایستی نگاه هر یک از این انواع به اهداف کلان و تصور آن نسبت به کمال و نقص را در نظر بگیریم. چرا که دیپلماسی در هدف، روش و... مانند یک علم تجربی نیست که بین مسلمان و غیرمسلمان در استفاده و بکارگیری آن و اساساً در تعریف و نگاه به آن تفاوتی نباشد، بلکه از آموزه‌های دینی که اساس آن بر فطرت مخموره و گرایش به کمال حقیقی و تنفر از نقص حقیقی است، رهیافت‌هایی به دست می‌آید که تعریف و اهداف و روش‌های دیپلماسی تابع آنهاست (قاضی‌زاده، ۱۳۷۷: ص ۵۳۰).

مثلاً اگر بخواهیم با در نظر داشتن این چارچوب، دیپلماسی در اندیشه امام خمینی را بررسی کنیم، بایستی کمال جامعه و محدوده «ملت» و مصادیق «منفعت» و ارزش‌های حاکم بر آن از دیدگاه ایشان را به دست آوریم. تفاوت‌هایی که در مؤلفه‌های مذکور بین دیدگاه دینی و غیردینی وجود دارد، سبب ایجاد واژگان دیپلماسی اسلامی شده است. از این رو اندیشمندان و کارگزاران سیاست خارجی به طور مستقل به دیپلماسی اسلامی و ویژگی‌های آن پرداخته‌اند.

در دیپلماسی اسلامی به تبع خود اندیشه اسلامی و براساس فطرت مخموره، علاوه بر عوامل بقای دنیوی به عوامل بقای اخروی نیز توجه می‌شود. چرا که عقل متعالی متأثر از فطرت مخموره به انسان می‌گوید که انسان علاوه بر جسم، بایستی به پرورش روح خود بپردازد، زیرا «العقل ما عُبد به الرحمن» (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۱، ح ۳).

بنابراین، می‌توان «منفعت ملی» را «کمال مطلوب» دیپلماسی رایج، و «منافع امت اسلام» را «کمال مطلوب» در دیپلماسی امام خمینی در نظر گرفت. این دو کمال مسیری متفاوت و بعضاً متقابل می‌پیمایند. اجمالاً مشخص می‌شود که منشاء تفاوت‌ها، تعریف‌ها و عملکردها در عرصه دیپلماسی، برخاسته از نوع تشخیصی است که در مورد کمال و نقص داده می‌شود که در چارچوب تحقیق تبیین شده و اهمیت و جایگاه این چارچوب مشخص می‌شود.

### چیستی دیپلماسی و تطور مفهوم آن

دیپلماسی را به مثابه مدیریت کل سیاست خارجی (هالستی، ۱۳۷۳: ص ۲۱۲)، و ابزار و بخشی از سیاست خارجی و ابزاری دوسویه برای تعقیب «منافع ملی» (سروش، ۱۳۹۱: ص ۳۵) تعریف کرده‌اند.

براساس هدف اصلی، دیپلماسی عبارت است از «فن و هنر حل و فصل مسالمت‌آمیز مسائل و مشکلات بین‌المللی و اختلافات کشورها» بر مبنای کارکرد. دیپلماسی «فن مدیریت، اداره و تنظیم سیاست خارجی و روابط بین‌الملل از طریق مذاکره» است. براساس بازیگران و کارگزاران نیز دیپلماسی «هدایت و مدیریت تعاملات و مناسبات میان کشورهای دارای حاکمیت از طریق نمایندگان آنان» تعریف می‌شود... مهم‌ترین کارویژه و وظیفه دیپلماسی تعقیب، توسعه و تأمین

منافع ملی کشور از طریق گردآوری اطلاعات از خود و دیگران است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ص ۱۷۹).

این تعاریف، اهداف و کارکردها ثابت نبوده و با تحولات زمانه تغییر می‌کنند. تغییرات نظام بین‌الملل و روند جهانی شدن سبب شده است تا اشکال جدیدی از دیپلماسی در کنار دیپلماسی سنتی مورد توجه و استفاده قرار گیرد (بهرامی، ۱۳۹۵: ص ۱۵۹). «ماهیت، موضوعات و ابزارهای دیپلماسی در گذر زمان دستخوش تغییر و تحول می‌شود. این دگرگونی و دگردیسی معلول تغییر و تحولات درون‌زا در فرآیند دیپلماسی و محیطی است که در آن اعمال و اجرا می‌شود؛ و در نتیجه، کشورها باید به پیروی از این تغییر و تحولات دیپلماتیک، به بازتعریف و بازنگری دیپلماسی و راهبرد و ابزارهای آن بپردازند» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ص ۱۷۹). پیرامون برخی از زمینه‌های این تغییرات می‌توان به این موارد اشاره کرد: اهمیت یافتن بیش از پیش افکار عمومی، ظهور قدرت‌ها و یا هویت‌های بومی و منطقه‌ای، محلی و فروملی، پررنگ شدن نقش و تأثیرگذاری بازیگران غیردولتی و مستقل، گسترش فوق‌العاده ابزارهای ارتباطی و ایجاد شبکه‌های مجازی و اجتماعی و انفجار اطلاعات، کمرنگ شدن مرزهای جغرافیایی و نزدیکی و ارتباط جوامع دور به یکدیگر، افزایش فعالیت‌ها و تأثیرگذاری و ورود بازیگران و نهادهای مختلف اقتصادی، فرهنگی، رسانه‌ای، ورزشی و... در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی، تأثیرات بین‌المللی مسائل و رویدادهای بومی، فروملی و محلی (بهرامی، ۱۳۹۵: ص ۱۵۹).

مجموع این تحولات سبب شده است تا در دهکده جهانی معاصر، اکتفا به دیپلماسی سنتی پاسخگوی نیازهای جوامع نباشد و در این شرایط انواع دیپلماسی‌های موازی<sup>۱</sup> مانند: دیپلماسی عمومی، دیپلماسی فرهنگی، دیپلماسی شهروندی، دیپلماسی رسانه‌ای و... به عنوان راهکارهایی که مکمل و هم‌گرای با دیپلماسی رسمی و سنتی هستند ایجاد شده و اهمیت پیدا کرده‌اند. امروزه افکار عمومی می‌تواند یک مساله را بحران تصور کنند و زمینه‌ساز حمله و شروع جنگ

---

1. para-diplomacy (پارادیپلماسی).

باشند و همچنین می‌توانند در مقابل یک قدرت بایستند و او را از حمله و جنگ منصرف کنند. در این شرایط کشورها نمی‌توانند تنها به تبادلات بین دولتی در قالب دیپلماسی سنتی تکیه کرده و از دیگر عرصه‌های تعیین‌کننده معاصر غافل بمانند (بهرامی، ۱۳۹۵: ص ۱۶).

یکی از مهم‌ترین انواع دیپلماسی‌های موازی و نوظهور، دیپلماسی عمومی است. «دیپلماسی عمومی اقداماتی برای تعامل و ارتباط با دیگر ملل و اندیشه‌ها دانسته شده که هدف از آن استقرار و استمرار روابط طولانی مدت فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست‌های نظام مورد نظر با جوامع دیگر است. دیپلماسی عمومی از اهداف سیاست خارجی و دیپلماسی سنتی حمایت می‌کند (هادیان و احدی، ۱۳۸۸: ص ۹۱). دیپلماسی عمومی در خدمت دستگاه سیاست خارجی یک کشور قرار می‌گیرد و مسئله اصلی آن بهبود وجهه و تصویر یک کشور در جهان و نیز گسترش باورها و سیاست‌های خود، به منظور افزایش نفوذ میان جوامع است» (احدی، ۱۳۸۹: ص ۲۴).

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی از ابتدای شکل‌گیری خود، بدون آنکه الگویی از غرب دریافت کرده باشد، توجه به ملت‌های جهان را وجهه‌ی همت خود قرار داد و آرمان خود را جهانی تعریف کرد و بر این مبنا حرکت‌ها و اقدامات متعددی را برنامه‌ریزی کرد. مجموع این فعالیت‌ها به گسترش نفوذ و عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در مناطق مختلف دنیا منتهی شد (بهرامی، ۱۳۹۵: ص ۱۷). از همین رو رهبری انقلاب اسلامی دیپلماسی عمومی را از ابداعات جمهوری اسلامی ایران می‌داند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۱۲/۹).

«برخلاف تصور رایج که قدرت نرم را مختص کشورهای بزرگ و بانفوذ می‌داند، کشورهای کوچکی نیز وجود دارند که به استفاده از قدرت نرم در دیپلماسی عمومی اهمیت داده‌اند و با توجه به سرمایه‌های خود آن را تقویت نموده‌اند و ضمن افزایش تعاملات بین‌المللی و منطقه‌ای، توانسته‌اند برنامه‌هایی را برای توفیق سیاست خارجی خود به اجرا گذارند» (احدی، ۱۳۸۹: ص ۲۵). بر این اساس در حال حاضر بازیگران و رقبای متعددی در عرصه روابط بین‌الملل، «دیپلماسی عمومی» را متناسب با اقتضات خود تعریف و عملیاتی می‌کنند. از این رو دیپلماسی عمومی دارای تعاریف، ابزارها و شیوه‌های متعددی شده است. کلیدواژه‌ها و دال‌های محوری

دیپلماسی عمومی را می‌توان «ملت‌ها»، «افکار عمومی»، «قدرت نرم و نفوذ» دانست (بهرامی، ۱۳۹۵: ص ۱۷).

### نسبت مردم و دیپلماسی در انواع حکومت‌ها

نوع نگاه حکومت‌ها به مردم تعیین‌کننده نوع دیپلماسی است. سه نوع دیدگاه را می‌توان در این باره مشاهده کرد:

دیدگاه اول مردم را صرفاً توده‌های منفعلی می‌داند که قدرت و لیاقت اثرگذاری بر مناسبات پیچیده و دشوار سیاست خارجی را ندارند و برای حضور مردم در عرصه‌های سیاست خارجی شأن و رتبه‌ای قائل نیست. «در این مدل فکری، مردم و بازیگران غیردولتی، فاقد هرگونه توانی برای پیشبرد سیاست خارجی بوده و نقش حداکثری حمایتی در دفاع از سیاست‌های رسمی دولت ایفا می‌کنند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۱۲/۹). دیدگاه دوم هم مانند دیدگاه اول، مردم را توده‌های منفعل و اثرپذیری می‌داند که نمی‌توانند و یا نباید در مسائل مهم سیاست خارجی ایفای نقش کنند، ولی برای افزایش نفوذ و سلطه بایستی مورد توجه و مخاطب قرار گیرند و اگر این دیدگاه به افکار عمومی و مردم اهمیت می‌دهد، از این جهت است. دیدگاه سوم برای مردم، هم به عنوان کارگزار سیاست خارجی و هم به عنوان مخاطب سیاست خارجی اهمیت قائل است. یعنی فعالیت و حضور مردم و تشکل‌های مردمی در عرصه‌های سیاست خارجی را به رسمیت می‌شناسد (بهرامی، ۱۳۹۵: ص ۲۱).

#### جدول ۲. مقایسه جایگاه مردم در انواع دیپلماسی

نتیجه	به عنوان مخاطب	به عنوان کارگزار	جایگاه مردم در عرصه سیاست خارجی و دیپلماسی
دیپلماسی سنتی	جایگاه ندارند	جایگاه ندارند	
دیپلماسی عمومی	جایگاه دارند	جایگاه ندارند	
دیپلماسی مردمی	جایگاه دارند	جایگاه دارند	

### دیپلماسی مردمی: چیستی و مولفه‌ها

«دیپلماسی مردمی» به معنای حضور مردم، نهادهای مردمی و تشکل‌های غیردولتی به عنوان



کارگزار<sup>۱</sup> در عرصه دیپلماسی و بین‌الملل می‌باشد و هدف اصلی آن کمک به تحقق اهداف سیاست خارجی هر کشور است.

«دیپلماسی مردمی جمهوری اسلامی ایران» نیز به معنای حضور، مشارکت و نقش‌آفرینی مردم و تشکل‌های مردمی به عنوان کارگزار اصلی، در عرصه‌های مختلف بین‌المللی در جهت تحقق اهداف انقلاب اسلامی ایران و گسترش اهداف بین‌المللی آن است (بهرامی، ۱۳۹۵: ص ۲۱).

قید دیپلماسی در این عنوان در برگیرنده‌ی دانش (روش‌ها، تکنیک‌ها و فنون، نحوه بهره‌گیری و مدیریت توانایی‌ها) و اقداماتی (ارتباطات و رفتارها) است که با هدف اطلاع‌رسانی و تأثیرگذاری در عرصه فراملی و ذیل اهداف و آرمان‌های سیاسی، فرهنگی، تربیتی و... انقلاب اسلامی ایران و امت اسلامی انجام می‌شود و خارج‌کننده‌ی این موارد است: امور فراملی غیردیپلماتیک مانند اقداماتی که در آن زور و اجبار و نظامی‌گری وجود دارد، فعالیت‌های در سطح داخلی کشور و نامرتبط با اهداف دیپلماسی مردمی، فعالیت‌های فراملی‌ای که هدف آن‌ها غیر از اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و اهداف صدور انقلاب و اهداف متعالیه اسلامی است.

قید مردم نیز در برگیرنده‌ی کارگزاری اصلی آحاد مردم و عموم مکلفین و نهادهای مردم‌نهاد است و خارج‌کننده‌ی کارگزاری دولتی است.

همچون اقسام مختلف پارادیپلماسی، دیپلماسی مردمی هم می‌تواند هم در حمایت و تکمیل دیپلماسی دولت مرکزی اتخاذ شود و هم در منازعه و رقابت با آن قرار گیرد (دهشیری، ۱۳۹۳: ص ۳)، اما دیپلماسی مردمی جمهوری اسلامی از آنجا که برآمده از خود انقلاب اسلامی و در جهت تحقق اهداف جمهوری اسلامی است، مکمل و مؤید دیپلماسی رسمی است. سخن از دیپلماسی مردمی به معنای نفی دیپلماسی رسمی و سنتی نیست، بلکه به جهت محدودیت‌های دیپلماسی رسمی و ضعف و ناکارآمدی آن در برخی از عرصه‌ها، استفاده از ظرفیت‌های دیگر

---

1. Agent.

ضرورت پیدا می‌کند و دیپلماسی مردمی یکی از ظرفیت‌های موجود است. در اندیشه امام خمینی، سطح بین ملت‌ها مقدم بر سطح بین دولت‌ها است. از نظر ایشان ملت‌ها تصمیم‌گیرندگان اصلی در روابط بین‌الملل هستند و روابط آن‌ها مهم‌تر از روابط میان حکومت‌ها می‌باشد (مولانا و محمدی، ۱۳۸۸: ص ۷۶). «مکلف بودن» عموم و کارگزاری مردم و همه افراد در بیانات ایشان در مورد صدور انقلاب و ارزش‌های اسلام مورد تأکید فراوان است. در جایی نیست که ایشان وظایف صدور انقلاب و دیپلماسی و تبلیغ را منحصر به دولت یا نهادهای رسمی دولت کرده باشد، بلکه بالعکس صحبت‌هایشان متوجه عموم مردم و اقشار مختلف مردم است.

«تأکید بیشتر ایشان (امام خمینی) بر روابط غیررسمی و بین‌ملیتی بوده و تبلیغ اسلام از طریق دستگاه‌های دولتی و یا روابط رسمی بین‌دولتی را در درجه دوم اهمیت تلقی می‌کردند» (دهشیری، ۱۳۷۷: ص ۸۳). ایشان وزارت خارجه را تنها یکی از جاهایی می‌دانند که باید به صدور انقلاب بپردازد:

«ما از اول گفتیم، می‌خواهیم انقلابمان را صادر کنیم. صدور انقلاب به لشکرکشی نیست، بلکه می‌خواهیم حرفمان را به دنیا برسانیم که یکی از آن مراکز، وزارت امورخارجه است که باید مسائل ایران و اسلام و گرفتاری‌هایی که ایران از شرق و غرب داشته است، به دنیا برساند و به دنیا بگوید که می‌خواهیم این‌گونه عمل کنیم» (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۹: ص ۶۱۴).

### مقایسه دیپلماسی مردمی، سنتی و عمومی

از جمله شیوه‌های مؤثر برای فهم یک مفهوم، قرار دادن آن در قیاس با مفاهیم مشابه و نزدیک به آن و یا مفاهیم مقابل، و بررسی تشابهات و تمایزات میان آن‌ها است. از این رو برای آن که مفهوم «دیپلماسی مردمی» به صورت دقیق تعریف و فهم شود، آن را با دو مفهوم «دیپلماسی عمومی» و «دیپلماسی رسمی» مقایسه می‌کنیم. با این مقایسه شناخت جامع و دقیقی از «دیپلماسی مردمی» به دست خواهد آمد. دیپلماسی عمومی و مردمی در نظریه و اجرا دو مفهوم نزدیک به یکدیگرند و از این رو بایستی نقاط اشتراک و افتراقشان مشخص شود.

در این بررسی از چارچوب اصلی تحقیق بهره می‌گیریم. سنجش نسبت کلی و جزئی هر یک از مفاهیم با فطرت مخموره و محجوبه معیار اصلی این مقایسه است. لازم به ذکر است از بین تعاریف متعدد و رویکردهای مختلفی که در مورد مفاهیم مورد مقایسه وجود دارد، بایستی تعریف مبنا مشخص شود. در این باره موارد مورد اتفاق که در مورد هر یک از این مفاهیم وجود دارد و نیز نوع نگاه و رویکرد به مفاهیم در مبدأ و خاستگاه آن مد نظر است.

### ۱. خاستگاه، منابع و مبانی

دیپلماسی سنتی و دیپلماسی عمومی هر دو از منابع و مبانی مشترکی منشاء می‌گیرند که کلیدواژه آن «منافع ملی»، امتداد و گسترش قدرت دولت‌ها و حکومت‌ها است. خاستگاه دیپلماسی سنتی، بعد از پیمان وستفالی<sup>۱</sup> و ایجاد «دولت‌ملت»ها است و البته دیپلماسی عمومی متأخر بوده و حاصل نظم نوین جهانی و تحولات مربوط به جهانی شدن است. در هر صورت هر دو مفهوم ریشه در غرب دارند و اکثر تئوری‌ها و نظریه‌پردازی‌هایی که در این راستا صورت گرفته است ذیل گفتمان غرب بوده است.

شاید بتوان امام خمینی را اولین رقیب جدی‌ای معرفی کرد که یک گفتمان نظری بدیع در این عرصه ارائه و آن را در قالب انقلاب اسلامی به مرحله عمل نیز رساند. در این گفتمان منبع اصلی «توحید» و «اسلام» است و مابقی منابع مانند منافع ملی ذیل این مفهوم معنی می‌یابند و شأن مستقلی ندارند. در واقع انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی در «دیپلماسی سنتی» و «عمومی» و «مردمی» پایه‌گذار یک گفتمان نو است و این واژه‌ها میان گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان غربی مشترک لفظی بوده، اما در معنی متفاوت است. بر این اساس دیپلماسی عمومی‌ای که انقلاب اسلامی ایران پایه‌گذار آن بوده، یک دیپلماسی عمومی متفاوت و جدید است. لذا رهبر فرزانه

---

1. Peace of Westphalia.

انقلاب در این رابطه چنین می‌فرمایند: «دیپلماسی عمومی از ابتکارات جمهوری اسلامی ایران است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۱۲/۹).

## ۲. کارگزار (عامل)

اکثر نظریه‌پردازان دیپلماسی عمومی، این مفهوم را یکی از ابزارها و راهکارهای در اختیار دولت‌ها و زیرمجموعه‌های دیپلماسی رسمی معرفی کرده‌اند که توسط گروه‌های رسانه‌ای و غیره اجرایی می‌شود.

در فرهنگ اصطلاحات روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه آمریکا، دیپلماسی عمومی عبارت است از: «برنامه‌های تحت حمایت دولت که با هدف اطلاع‌رسانی و نفوذ بر افکار عمومی در دیگر کشورها به اجرا در می‌آید» (سعیدی، ۱۳۹۳: ص ۶۶). وزارت امور خارجه انگلستان نیز در تعریف دیپلماسی عمومی می‌گوید: «دیپلماسی عمومی آن چیزی است که ما از طریق همکاری با توده‌های مردم در خارج از کشور برای دستیابی به اولویت‌های بین‌المللی راهبردی خویش از آن بهره می‌جوییم» (همان).

فرآیند دیپلماسی عمومی دولت‌ها و به طور خاص دستگاه‌های سیاست خارجی مشتمل بر برنامه‌ریزی و هدایت‌گری است، اما اجرای آن کارویژه‌ی مشترک عوامل دولتی و غیردولتی است. کارگزار و کنش‌گر اصلی در «دیپلماسی عمومی»، دولت‌ها محسوب می‌شوند و بازوهای میدانی آن نهادها و عمدتاً رسانه‌ها هستند. اما «دیپلماسی مردمی» مهم‌ترین مؤلفه‌ای که در تعریف خود دارد، کارگزاری مردم و تشکل‌های مردمی بوده که مهم‌ترین نقطه افتراق این دو مفهوم است (بهرامی، ۱۳۹۵: ص ۱۶۶).

کارگزاری مردم در دیپلماسی مردمی بدان معنا نیست که این فرآیند فارغ از دولت و یا در تقابل با آن است. بلکه این دو مکمل یکدیگر هستند و هر یک در حوزه ظرفیتی خود فعال و کنشگر و اثرگذارند. ظرفیت اثرگذاری مردم در عرصه دیپلماسی، ظرفیتی گسترده و اثرگذار است؛ دولت می‌تواند بنا بر اقتضاء تسهیل‌گر، حامی، هدایت‌گر و تعدیل‌کننده این ظرفیت باشد. بنابراین، تفکیک و تمایز در تعریف، به معنای تمایز در عرصه عمل نیست. به همین جهت در

عین بیان تفاوت‌ها، این دو مفهوم در عمل مکمل یکدیگرند و توأمان پیگیری می‌شوند. اساساً می‌توان این سه مفهوم را بر اساس یک تقسیم کار و سه قطعه ضروری یک پازل معرفی کرد که وجود هر سه ضروری است و با فقدان هر یک پازل ناقص می‌شود و از طرفی هیچ کدام به تنهایی نمی‌تواند بار دیگری را بر دوش کشد و هدف را کامل محقق کند. پیش نیاز این همکاری و هماهنگی آن است که دیپلماسی مردمی و دولت در پیش‌فرض‌ها، اهداف و مبادی به یکدیگر نزدیک شوند، یعنی دولتی که در دیپلماسی نگاه لیبرال و غربی دارد، نمی‌تواند با کارگزار مردمی‌ای که بر مبنای اهداف انقلاب اسلامی فعالیت می‌کند همکاری نزدیک و مؤثر داشته باشد.

دولت و جامعه اسلامی جزء مستعدترین محمل‌ها برای پیگیری توأمان و همزمان دیپلماسی رسمی، عمومی و مردمی است، چراکه اندیشه و ایدئولوژی اسلامی زیرساخت فکری و اجرایی هر سه مورد را تبیین کرده و هیچ یک از این سه با یکدیگر تداخل و تضارب ندارند و نقش هر فرد و گروه مشخص است و می‌توانند همپوشانی و هم‌افزایی داشته باشند.

### ۳. مخاطب، هدف و انگیزه

دیپلماسی عمومی و دیپلماسی مردمی از حیث مخاطب، در نگاه اول اشتراک دارند و گروه هدف هر دو «مردم» است. اما در همین عرصه تفاوت‌های اساسی بین نگاه اندیشه متعالیه اسلامی و تئوری‌های رایج وجود دارد. در سیاست متعالیه‌ای که امام خمینی مد نظر دارد، مبدأ و مقصد «انسان» است. اندیشه و افکار امام خمینی بر مبنای انسان‌شناسی شروع می‌شود و هدف و غایت نهایی هم تکامل و تعالی انسان قرار می‌گیرد. همان کمال حقیقی که در فطرت منخوره معرفی می‌شود. بنابراین، مخاطب اصلی نیز «انسان» بوده و از این رو حکمت متعالیه که سیاست متعالیه متخذ از آن است بر مبنای چهار سفر معنوی انسان می‌باشد و غایت فلسفه هم کمال انسان از جهت عقل نظری و عملی است (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۰ق: ص ۲۰). یعنی عقل متعالی انسان را به کمال واقعی رهنمون می‌سازد.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم سعادت «انسان» در کل جامعه بشری به عنوان آرمان جمهوری اسلامی ایران معرفی شده است (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۵۴).

البته مصداق دو واژه «مردم» و «انسان» در عالم خارج یکی است، اما این دو واژه، حاکی از دو نگرش متفاوت می‌باشند. در اندیشه امام خمینی غایت سیاست، حکومت و همه‌ی شئون آن از جمله سیاست خارجی و دیپلماسی و صدور انقلاب، تربیت و تعالی انسان است. در اندیشه نظریه‌پردازان غربی، مردم مخاطب و هدف تأثیرگذاری قرار می‌گیرند، از این جهت که دولت‌ها در پی قدرت و منافع خود هستند و نه از این جهت که تعالی و تربیت انسان مد نظر باشد (بهرامی، ۱۳۹۵: ص ۱۶۷). در واقع تشخیص درستی از منافع واقعی و حقیقی خود ندارند و مسیر را اشتباه می‌پیمایند.

علاوه بر آنچه ذکر شد، می‌توان سه نوع دیپلماسی سنتی، عمومی و مردمی را از جهات دیگری چون ساختار، هزینه‌مندی، گستره، تأثیرگذاری، دستور کار، شیوه اجرا و غیره نیز مقایسه کرد. این مقایسه در جدول مقایسه انواع دیپلماسی ارائه می‌شود. منظور از دیپلماسی عمومی در این جدول دیپلماسی عمومی مصطلح است که عمدتاً محصول غرب و آمریکا و نظریه‌پردازانی چون جوزف نای<sup>۱</sup> است. همچنین در مورد دیپلماسی سنتی یا رسمی نیز اینگونه می‌باشد، و گرنه می‌توان یک نسخه‌ی بومی شده نیز از دو مفهوم آن ارائه داد که کاملاً مطابق با فطرت مخموره اصلی و اهداف متعالیه باشد و در این صورت «دیپلماسی مردمی» مکمل و همگرا با این دو مفهوم قرار می‌گیرد و در اهداف، مقاصد و برخی خصوصیات دیگر اشتراک می‌یابند.

### جدول ۳. مقایسه انواع دیپلماسی

ملاک مقایسه	دیپلماسی سنتی	دیپلماسی عمومی	دیپلماسی مردمی
خاستگاه	وارداتی است، اندیشه غربی	وارداتی است، اندیشه غربی	اندیشه متعالیه (اسلامی)
منابع و مبانی / هدف	منافع ملی، قدرت، نفوذ و سلطه، منافع سیاسی و اقتصادی و فرهنگی (متعارف، متدانی)	منافع ملی، قدرت، نفوذ و سلطه، منافع سیاسی و اقتصادی و فرهنگی (متعارف، متدانی)	انگیزه‌های متعالی توحیدی، انسانی و اخلاقی، منافع ملی و اهداف اعم از آن (متعالی)

1. Joseph Nye.

کارگزار	کنش‌گری و کارگزاری انحصاری دولت‌ها، بازیگری قدرت‌های رسمی و دولتی	برنامه‌ریزی و هدایت‌گری اصلی توسط دولت و اجرا و عملیات توسط عوامل دولتی و غیردولتی مشخص	کارگزار اصلی مردم و تشکل‌های مردمی (دولت می‌تواند در آموزش، تربیت، هدایت، تعدیل، زمینه‌سازی، حمایت مالی و... دخیل و مؤثر باشد، اما تصدی‌گری اصلی ندارد)، بازیگری تشکل‌های غیردولتی و مردم
مخاطب	دولت‌ها	مردم و افکار عمومی	انسان
جلب اعتماد مخاطب	بر مبنای بی‌اعتمادی و حداکثر امتیازگیری بوده و غالباً اعتماد کمتری به آن می‌شود، جلب اعتمادها مقطعی و متزلزل است	بر مبنای اغوا، نفوذ، پوشش و منافع سیاسی و اقتصادی است و لذا اعتماد کمتری بدان می‌شود، جلب اعتمادها مقطعی و متزلزل است	صادقانه و بدون پوشش و فریب. بر مبنای آموزه‌های دینی، اخلاقی و تربیتی و توجه به خدا و تعالی انسان. جلب اعتماد بیشتری بدان می‌شود.
ابزار	قدرت سخت، زور، تهدید، تحریم، پاداش و کمک‌های مالی، منافع مشترک	قدرت نرم، جذابیت‌های رسانه‌ای و فرهنگی	زبان فطرت
نوع قدرت	وادارکننده و اجبارکننده	متقاعدکننده و مجاب‌کننده، القاء و اغواء	هدایت، تزکیه و تعالی، تربیت
هزینه‌مندی	هزینه‌مند برای دولت‌ها	هزینه‌مند برای دولت‌ها	هزینه مستقیم برای دولت‌ها ندارد.
گستره و دستور کار	محدود و ثابت	متنوع، در برخی شرایط نیمه محدود (به جهت ورود دولتها و هزینه‌مندی)	نامحدود، متنوع و پویا، با هر مخاطب و در هر عرصه‌ای می‌تواند ورود کند
اثرگذاری نتیجه‌مندی بر افکار عمومی و مردم	برای افکار عمومی و مردم اثرگذاری بسیار کم دارد، اساساً مخاطب اصلی آن مردم نیست.	برای افکار عمومی و مردم اثرگذاری زیاد دارد. (گاهی این مؤلفه به جهت کارگزاری دولت تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد)	برای افکار عمومی و مردم اثرگذاری زیاد دارد. (به دلیل اینکه نقش دولت در آن نمایان نیست و امنیتی و حکومتی تلقی نشده و به دلیل خصوصیات دیگر)
ساختار	سلسله مراتبی، انحصاری، انعطاف‌ناپذیر	اگر دولت کارگزار اصلی است سلسله‌مراتبی و در غیر این صورت سیال و شبکه‌ای می‌باشد.	بدون سلسله مراتب، غیر انحصاری، دست‌یافتنی توسط همگان، قابلیت سازمان‌یافتگی نیز دارد.
صاحب نفع و استفاده‌کننده	کارگزار و کشور عامل، محصور در مرز و جغرافیا	کارگزار و کشور عامل، محصور در مرز و جغرافیا	همه‌ی انسان‌ها، نامحصور در مرز و غیر متعلق به قشر خاص
جنس	امکان و راهکار سیاسی	امکان و راهکار سیاسی، اجتماعی، فرهنگی	وظیفه و تکلیف الهی، امکان و راهکار سیاسی
سطح امنیت	امنیتی، پنهان	نیمه‌امنیتی و نیمه‌پنهان (به جهت دخالت دولت و داشتن اهداف پشت پرده)	امنیتی نیست، شفاف و آشکار
جمع بندی	بر اساس فطرت محجوبه (متعارف و متدانی)	بر اساس فطرت محجوبه (متعارف و متدانی)	بر اساس فطرت مخموره (متعالی)

## نتیجه‌گیری

با توجه به ظرفیت‌های فکری انقلاب اسلامی می‌توان دیپلماسی مردمی را به عنوان نوع جدیدی از دیپلماسی برای تکمیل دیپلماسی سنتی و عمومی ارائه کرد.

دیپلماسی مردمی براساس اندیشه امام خمینی، حضور و مشارکت و نقش‌آفرینی مردم و تشکل‌های مردمی به عنوان کارگزار مکمل، در عرصه‌های مختلف بین‌المللی در جهت تحقق و گسترش اهداف انقلاب اسلامی ایران تعریف می‌شود. اصول آن کارگزاری خودجوش مردمی، بهره‌گیری از دانش روابط بین‌ملت‌ها و اقدام در جهت تکمیل و تحقق اهداف انقلاب اسلامی در عرصه بین‌الملل است. هدف آن گسترش اسلام در جهان و نفی سلطه و عبودیت غیر خدا و تربیت انسان و تغییر محتوای باطنی او به سوی این هدف بوده و بر این مبنا سعی در اصلاح و تغییر انسان‌ها و جوامع دارد تا بشر در تمام لایه‌های وجودی در سطح فردی و اجتماعی، موحد و مؤمن شود و معتقد و عامل به آموزه‌ها و تعلیمات دین باشد. انواع دیپلماسی مردمی با توجه به اشتراکات مخاطب و کارگزار، ابزارها و بسترهای مشترک تقسیم و دسته‌بندی می‌شود. دیپلماسی مردمی در مقایسه با انواع دیگر دیپلماسی، منابع آن، منافع ملت و با توجه توأمان به دنیا و آخرت (کمال حقیقی) است. کارگزار آن عموم مردم و نهادهای مردمی و غیردولتی بوده و مخاطب آن انسان است و از این جهات با دیپلماسی سنتی و عمومی‌ای که منابع آن منافع ملی، کارگزار آن دولت‌ها و مخاطبش دولت‌ها و افکار عمومی هستند، تفاوت دارد.

فصل ممیز دیپلماسی مردمی متعالیه از مفاهیم دیگر مورد مقایسه آن است که در سطوح مختلف کارگزاران و مخاطبین، عقل رئیس قوا شود و باقی قوا در خدمت آن قرار گیرد. این فصل ممیز، خود هدف و کارویژه اصلی دیپلماسی مردمی بوده و در سطح درونی هر فرد، در سطح اجتماعی و نیز در سطح بیرون کشور که محمل جریان دیپلماسی است، امتداد می‌یابد. بنابراین، طبق چارچوب نظری تحقیق که ملاک اصلی تفکیک و تمیز است، اگر وهم، غضب یا شهوت رئیس قوا قرار گیرند و یا اینکه عقل در خدمت این قوا قرار گیرد و دیپلماسی در این راستا فعالیت کند، این دیپلماسی متعارف و متدانی نامیده می‌شود.



همچنین بر مبنای چارچوب دو فطرت می‌توانیم یک دسته‌بندی کلی از فعالیت دیپلماسی مردمی متعالیه نیز ارائه دهیم، دو محور اساسی دیپلماسی مردمی متعالیه شامل: فعالیت‌های ایجابی و فعالیت‌های سلبی است. مورد اول براساس فطرت مخموره و در جهت دفاع از عقل به عنوان رئیس قوا و مورد دوم با توجه به فطرت محجوبه و در جهت نفی محوریت وهم، غضب و شهوت و نیز استفاده از عقل در جهت این اهداف می‌باشد.

#### جدول ۴. فعالیت دیپلماسی مردمی

فعالیت دیپلماسی مردمی متعالیه	ایجابی: ترویج حق	براساس فطرت مخموره	دفاع از عقل به عنوان رئیس قوا	مصادیق: ترویج، نشر و حفظ اسلام و توحید، هدایت و تربیت انسان‌ها
	سلبی: نفی باطل	با توجه به فطرت محجوبه	نفی محوریت قوای دیگر	مبارزه با مظاهر شرک، ظلم و بت‌پرستی و گمراهی

تفاوت دیگر میان دیپلماسی متعالیه با مدل متعارف و متدانی، در توجه آنان به دنیا و آخرت است. در مدل متعارف و متدانی به عوامل بقای جسمی و دنیوی انسان در دنیای مادی توجه می‌شود، اما توجهی به بقای ابدی و روحی وی نیست، چرا که کمال را صرفاً در این مسیر می‌بیند، در حالی که از نظر چارچوب بحث، این کمال غیرحقیقی است. اما در مدل متعالیه، با لحاظ مزرعه بودن دنیا برای آخرت، به عوامل دنیوی و اخروی توأمان توجه شده (لکزایی، ۱۳۸۹ج: ص ۵۵) و کمال حقیقی در این مسیر توأمان معرفی می‌شود.

این موارد ناشی از همان تفاوتی است که در گرایش و تنفر از کمال و نقص حقیقی و غیرحقیقی وجود دارد و نیز در تفاوت ریاست قوای عقل متعالی و عقل متدانی یا ریاست دیگر قوا می‌باشد. بنابراین مبداء اصلی تفاوت‌های سیاست داخلی و خارجی انقلاب اسلامی با دیگر رقبایش در این مبادی است و این تفاوت در تمامی امور مربوط دیگر از جمله دیپلماسی امتداد می‌یابد. آنچه که به عنوان ممیزات دیپلماسی مردمی با دیگر انواع دیپلماسی بیان شد، برخاسته از این تفاوت مبنایی بوده و همه آن تفاوت‌ها از این مبادی شروع می‌شود. این مبادی همان دو رویکرد اساسی‌ای است که در قالب چارچوب نظری ارائه شد.

در سیاست متعالیه، مطلوب اصلی مبدأ متعال است و در پی سعادت دنیوی و اخروی آدمی

است (لکزایی و دلیر، ۱۳۹۱: ص ۶۳). در این رویکرد دین و دنیا، دین و سیاست، دنیا و آخرت و عالم ماده و معنا مکمل یکدیگر، و بلکه لازم و ملزوم هم هستند (لکزایی، ۱۳۸۷: ص ۲۵). هدف سیاست متعالیه این است که امت را الهی کند و آنها را به اسمای حسناى الهی آراسته سازد (لکزایی و دلیر، ۱۳۹۱: ص ۷۲) و وظیفه اصلی حکومت به سعادت رساندن مردمان است (لکزایی، ۱۳۸۷: ص ۱۴). بنابراین، دیپلماسی ذیل این سیاست نیز، در پی همین هدف و مطلوب می‌باشد. سیاست و دیپلماسی در این رویکرد مقصد نیست و به تنهایی ابزاری برای نیل به اهداف متعالی است. این رویکرد ریشه‌ی تفاوت‌ها و ممیزات میان دیپلماسی مردمی متعالیه جمهوری اسلامی ایران با دیپلماسی سنتی و عمومی برخاسته از غرب می‌باشد.

## منابع

۱. احدی، افسانه (۱۳۸۹). دیپلماسی عمومی؛ چارچوب مفهومی و نظری. پژوهشنامه دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی، شماره ۲۴: ص ۵۰-۲۳.
۲. بهرامی، محمد (۱۳۹۵). ظرفیت‌های دیپلماسی مردمی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر اندیشه حضرت امام خمینی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. قم: دانشگاه باقرالعلوم.
۳. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۸/۱۲/۹). بیانات در جمع دیدار وزیر و مسئولان وزارت خارجه و سفرا و رؤسای نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور با رهبر انقلاب. قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=8955>
۴. خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام. تهران: انتشارات موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم، ج ۱۹.
۵. دهشیری، محمدرضا (۱۳۷۷). نظریه انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی. حضور، شماره ۲۶.
۶. دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۳). پارادایم‌های دیپلماسی در عصر جهانی شدن: بررسی موردی دیپلماسی شهری. مطالعات راهبردی جهانی شدن، دوره ۴، شماره ۱۳: ص ۵۴-۳۴.
۷. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۸). دیپلماسی نوین خاورمیانه‌ای ایران: ضرورت‌ها و الزامات. در: دیپلماسی نوین: جستارهایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. حسین پوراحمدی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت خارجه.
۸. سروش، علی (۱۳۹۱). دیپلماسی در اندیشه سیاسی امام خمینی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. قم: دانشگاه باقرالعلوم.
۹. سعیدی، روح‌الامین (۱۳۹۳). دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران: مطالعه موردی لبنان. تهران: انتشارات ابرار معاصر.
۱۰. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۴۱۰ق.). الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیة الاربعه. بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ چهارم.

۱۱. قاضی‌زاده، کاظم (۱۳۷۷). اندیشه‌های فقهی - سیاسی امام خمینی. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری.
۱۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۱۳. کلینی، محمد ابن یعقوب بن اسحاق (۱۳۶۵). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ج ۱.
۱۴. لک‌زایی، نجف (۱۳۸۷). سیاست متعالیه و دولت هادی در اندیشه صدرالمتالهین. علوم سیاسی، سال یازدهم، شماره ۴۳: ص ۸۳-۵۳.
۱۵. لک‌زایی، نجف (۱۳۸۹ الف). فلسفه امنیت از دیدگاه امام خمینی. مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره سوم، شماره مسلسل ۴۹: ص ۲۷-۵.
۱۶. لک‌زایی، نجف (۱۳۸۹ ب). کاربردهای امنیتی انسان‌شناسی حکمت متعالیه. مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره چهارم، شماره مسلسل ۵۰: ص ۸۴-۶۳.
۱۷. لک‌زایی، نجف (۱۳۸۹ ج). حج ابراهیمی و تربیت متعالیه (ابعاد تربیتی حج با تأکید بر دیدگاه امام خمینی). میقات حج، شماره ۷۳: ص ۷۰-۵۳.
۱۸. لک‌زایی، نجف (۱۳۹۰). امنیت از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی. اسراء، سال سوم، شماره سوم، پیاپی هفتم: ص ۵۲-۱۹.
۱۹. لک‌زایی، نجف؛ دلیر، بهرام (۱۳۹۱). غایات و اهداف نظام سیاسی متعالیه. علوم سیاسی، سال پانزدهم، شماره ۵۹: ص ۷۴-۶۱.
۲۰. مولانا، حمید؛ محمدی، منوچهر (۱۳۸۸). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت احمدی‌نژاد. تهران: موسسه انتشارات دادگستر، چاپ سوم.
۲۱. هادیان، ناصر؛ احدی، افسانه (۱۳۸۸). جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی. روابط خارجی، سال اول، شماره سوم، ص ۱۱۷-۸۵.
۲۲. هالستی، کالوی‌یاکو (۱۳۷۳). مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل. ترجمه بهرام مستقیم، مسعود طارم سری. تهران: وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات، چاپ پنجم.